

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 45-69
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38230.2357

Evolution of Feminism in Saudi Novels from Theory to Practice:

A Case Study of the Novel *Ontha Al-Aankaboot* (Female Spider)

Behnam Farsi*

Zahra Esfandiary**

Abstract

Feminism is a school of thought that has been found to restore the oppressed rights of women and establish equity with and sometimes supremacy over men. After its pervasion in Western countries, the phenomenon slipped through such Muslim nations as Saudi Arabia. In her novel *Ontha Al-Aankaboot* (Female Spider), Qumasha al-Ayan, a Saudi Arabian author, addresses women's problems and the challenges facing feministic movements in her country. Using a descriptive-analytic method, this study aims to firstly investigate the differences between the social structures of western and Islamic countries regarding feminist approaches and secondly to demonstrate the obstacles against the advancement of the feminist movement in Saudi Arabia to discuss social problems women face in that society with emphasis on the aforementioned novel. As the study results show, the Industrial Revolution and the subsequent need for women's workforce induced feministic feelings in Western countries. In contrast, such feelings have not found the opportunity to develop in Islamic nations, specifically in Saudi Arabia, since there is not only a fundamental conflict between Islam and feminism but also the normalization of patriarchy in these

* Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran,
(Corresponding Author) Behnam.farsi@yazd.ac.ir

** M.A in Arabic Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran, z.esfandiary68@gmail.com

Date received: 24-06-2022, Date of acceptance: 29-10-2022



countries. Moreover, the male-oriented interpretation of laws in some Arab Muslim countries has limited women in different areas.

Keywords: Islam, Feminism, Man-Oriented Laws, Saudi Arabia, Patriarchy.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماه‌نامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال ۲۲، شماره ۹، آذر ۱۴۰۱، ۶۹ - ۴۷

فمینیسم و رمان‌های سعودی از نظریه تا تطبیق با نقدی بر رمان *انثی العنکبوت* (عنکبوت ماده)

بهنام فارسی*

زهرا اسفندیاری**

چکیده

فمینیسم مکتبی است که برای بازیابی حقوق از دست‌رفته زنان شکل گرفته و برپایه برابری و گاهی برتری زنان بر مردان است. پس از اوج‌گیری این پدیده در کشورهای غربی، اندیشه‌های آن در کشورهای اسلامی، به‌ویژه عربستان، نیز گسترش یافت. قماشة العلیان، نویسنده سعودی، در رمان *انثی العنکبوت*، مشکلات زنان و چالش‌های پیش روی جریان فمینیسم در کشورش را بیان کرده است. این پژوهش به‌روش توصیفی - تحلیلی، در پی بررسی تفاوت‌های میان ساختار اجتماعی کشورهای غربی و اسلامی در توجه به رویکردهای فمینیستی است و ضمن کشف و تبیین موانع پیش روی این مکتب در کشورهای اسلامی، به‌ویژه عربستان سعودی، معضلات اجتماعی زنان در این کشور را با تکیه بر رمان *انثی العنکبوت* بیان می‌کند. نتیجه به‌دست‌آمده این است که آرای فمینیسم

* استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

Behnam.farsi@yazd.ac.ir

** کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، z.esfandiary68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷



به دلیل وقوع انقلاب صنعتی و به دنبال آن ورود زنان به عرصه کار و فعالیت مجال ظهور یافت، اما این نظرها در کشورهای اسلامی، به ویژه عربستان، به دلیل اختلاف مبانی دو مکتب فمینیسم و اسلام، و عادی‌سازی مردسالاری در این کشورها، فرصت بروز و ظهور نیافت. هرچند در این کشور تفسیرهای مردسالارانه از قوانین نیز به محدودیت زنان در حوزه‌های گوناگون منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، فمینیسم، قوانین مردمحور، مردسالاری، عربستان سعودی.

۱. مقدمه

«فمینیسم» اصطلاحی است که از واژه فرانسوی (famine) مشتق شده و به معنای مبارزه علیه فرودستی زنان در برابر مردان در خانه و جایگاه سطح پایین آن‌ها در محیط کار، جامعه، فرهنگ، و باورهای مردمی است که فعالیت‌های محدود آن در قرن نوزده و اوایل قرن بیست به عرصه‌های گوناگون گسترش یافت. این مکتب علاوه بر مسائل یادشده، به فشار مضاعفی که زنان در تولید اقتصادی و تولیدمثل متحمل می‌شوند معترض است (تایسن ۱۳۹۴: ۱۵۳؛ خسروشاهی و مؤمنی‌راد ۱۳۹۴: ۱۲۶).

مکتب فمینیسم معتقد بود که برتری مردان بر زنان برای توجیه و تداوم سلطه آن‌ها بر مناصب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و دورنگه‌داشتن زنان از تصاحب این مناصب است (تایسن ۱۳۹۴: ۱۵۳).

نقد فمینیستی نوعی نقد مؤلف‌گراست که بررسی سه مسئله را دنبال می‌کند:

۱. بازیافتن سیمای زن؛

۲. در کانون قراردادن قهرمانان زن و بررسی این موضوع که اگر نویسنده مطلبی زن

باشد، متن چه کیفیتی پیدا می‌کند؛

۳. اگر خواننده مطلب هم زن باشد، در معنای متن تفاوتی ایجاد می‌شود یا خیر

(شمیسا ۱۳۹۴: ۴۳۷).

قماشة العلیان از نویسندگان زن سعودی است که در همه آثار خود به مشکلات زنان هم‌چون طلاق، ازدواج، و غیره در کشورهای عربی پرداخته و در آثارش سعی کرده است تا کنار هم جنس خود بایستد و از او زنی قدرت‌مند بسازد که در برابر هیچ ظلمی تسلیم نمی‌شود. این نویسنده سعودی در رمان خود، *أثی العنکبوت*، ضمن صحبت درباره جامعه عربستان و مشکلات زنان در این جامعه، از مسائل فمینیستی نیز سخن می‌گوید.

این پژوهش در پی آن است که ضمن بررسی دیدگاه‌های فمینیستی و موانع گوناگون بر سر تحقق شعارهای این مکتب در جامعه مدنظر نویسنده، از طریق تحلیل موضوعات و بیان شواهد مثال موجود در متن رمان، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. تفاوت ساختار اجتماعی غرب با کشورهای اسلامی در رویکرد به آرای فمینیسم چیست؟
۲. چالش‌های پیش‌روی اجرایی شدن آرای فمینیسم در کشور عربستان از ره‌گذر رمان *انثی العنكبوت* کدام‌اند؟
۳. مهم‌ترین مسائل زنان، که نویسنده رمان با رویکرد به ساختار اجتماعی عربستان سعی در تبیین آن‌ها داشته است، کدام‌اند؟

۱,۱ پیشینه پژوهش

در باره مسائل مربوط به فمینیسم و تحلیل متون گوناگون براساس نظریه‌های این مکتب، پژوهش‌های فراوانی شده است که ذکر همه آن‌ها ممکن نیست. در این‌جا، به ذکر چند نمونه از فعالیت‌ها در حوزه تحلیل متون برپایه دیدگاه فمینیستی و پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره رمان *انثی العنكبوت* اکتفا می‌شود:

۱. محبوبه مختاری در پایان‌نامه خود با عنوان *سیمای زن در رمان انثی العنكبوت اثر قماشة العلیان و رغبات الشیطانیة اثر وفا عبدالرحمن الکنهل (۱۳۹۵)*، سیمای زن در این دو رمان و مشکلات و مسائل اجتماعی او هم‌چون طلاق، ازدواج، و مواردی از این‌دست را بررسی و بیان می‌کند که زن در این دو رمان در قیدوبند سستی جامعه دست‌وپا می‌زند.
۲. لادن مرادی در پایان‌نامه‌ای با عنوان *تقد دیدگاه‌های اجتماعی فمینیسم از منظر رمان متعهد عربی، بررسی مورد رمان زینب بنت الأجاوید اثر خوله القزوینی (۱۳۹۵)*، سعی کرده است که نظرها و نوع نگاه فمینیسم و اسلام را درباره مسائل خانواده و اشتغال زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و رمان متعهد عربی بیان کند و بازتاب دیدگاه‌های فمینیستی درباره مسائل زنان را در رمان مدنظر تحلیل و بررسی کند.
۳. هند عقیل المیرز در مقاله خود با عنوان «*المرأة السعودية من التهميش إلى التمكين فی التعليم والعمل*» (المیرز ۲۰۱۷)، تاریخچه‌ای از توان‌مندی زنان در جامعه سعودی را طی صد

سال گذشته و نشانه‌های توان‌مندی این بخش از اجتماع را در عرصه‌های آموزش و کسب شغل و حرفه بیان کرده است.

۴. فرهاد رجبی و فاطمه پرچگانی در مقاله‌ای با عنوان «خوانش فمینیستی – اگزستانسیالیستی مجموعه انظرالیک مرام المصری» (رجبی و پرچگانی ۱۳۹۷)، ضمن بررسی این مجموعه شعری براساس نظریه‌های فمینیستی و اگزستانسیالیستی سیمون دوبووار، به این نتیجه رسیده‌اند که مقوله‌هایی نظیر دغدغه‌های حضور واقعی زن، بحران هویت، نقش‌آفرینی زنان، و مسئله «خود» از مسائل مشترک میان اشعار «مصری» و نوشته‌های «دوبووار» است.

۵. فاطمه منهوئی در پایان‌نامه خود با عنوان نقد فمینیستی بنات الریاض اثر رجاء عبدالله الصانع (۱۳۹۷)، با تکیه بر رویکردهای فمینیستی و دیدگاه زن‌محور، تصویر زن را در این رمان بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این اثر گواه دغدغه زنانه نویسنده آن است و مضمون رمان مسائل عاطفی – اجتماعی زنان در برابر مردان و جامعه و محدودیت‌های زنان در جامعه و حکومت عربستان است.

۶. «أثر النسق الثقافي فی تشکیل الروایة النسویة العربیة بحث فی التیمات و التمثیلات» عنوان مقاله‌ای به‌قلم محمد الشحات است که در سال ۲۰۱۸ در مجله هرمس به‌چاپ رسیده است. نویسنده در این مقاله سعی کرده است تا رمان‌های فمینیستی عربی را با بررسی نحوه تأثیرپذیری آن‌ها از چیدمان فرهنگی غالب تحلیل و ارزیابی کند.

باوجود پژوهش‌هایی از این دست، تاکنون پژوهش مستقلی سدهای پیش روی فمینیسم و تحلیل رمان از این منظر را بررسی نکرده است. این مقاله قصد دارد تا از ره‌گذر بررسی رمان *أنتی العنکبوت*، موانع و مشکلات پیش روی زنان و نظریه فمینیسم برای اعمال در جامعه عربستان را مطرح کند.

۲,۱ خلاصه رمان

خط اصلی داستان روایت زندگی دختر جوانی به نام «أحلام» است که می‌توان پدرش را نماینده تمام‌عیار جامعه مردسالار به حساب آورد. او در برابر خانواده‌اش افکاری سنتی داشت و آنان را اذیت می‌کرد، تاحدی که در نهایت، خانواده‌اش را از دست داد. احلام در دوران

کودکی علاوه بر ستم پدر، شاهد مرگ مادر و ازدواج مجدد پدرش نیز بود، اما این رنج‌ها مانع او نشد و به تحصیلاتش ادامه داد تا این که مدرک کارشناسی خود را در رشته زبان عربی گرفت. احلام دل در گرو فردی به نام «سعد» داشت و سعد نیز برای ازدواج با او، احلام را از پدرش خواستگاری کرد، اما این اقدام سعد سبب خشم پدر احلام شد و این کار او را نوعی فساد قلمداد کرد و به درخواست سعد جواب منفی داد، اما این پایان ماجرا نبود و احلام به اجبار پدرش تن به ازدواج با پیرمردی تاجر داد. با این حال، نتوانست این موضوع را تحمل کند و از شدت عصبانیت، همسرش را در همان شب ازدواج با عصایی به قتل رساند. با وجود این که اصل داستان روایت زندگی احلام و فرازونشیب‌های زندگی اوست، روایت از زبان خود شخصیت اصلی داستان به افراد دیگری در حاشیه زندگی احلام مانند مادر، دوست احلام، و سعد نیز می‌پردازد و مشکلات زندگی آنان را بازگو می‌کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

فمینیسم را می‌توان مجموعه حرکات و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تعریف کرد که بر همه ابعاد زندگی زنان در غرب و کشورهای دیگر تأثیر گذاشته است. هدف این جنبش، محو هرگونه نابرابری براساس تفاوت‌های جسمی و فیزیکی، احقاق حقوق زنان، و رفع تبعیض‌های اعمال‌شده بر این بخش از جامعه است که بیش‌تر خود زنان پی‌گیری می‌کنند (منصورنژاد ۱۳۸۱: ۲۴۷-۲۴۸؛ بهشتی و احمدی‌نیا ۱۳۸۵: ۴۳-۴۴).

انقلاب صنعتی موجب شد که سرمایه‌داری بزرگ، نظم، انضباط، و آرزوهای جدید ایجاد شود. از مسائلی که پس از این انقلاب مطرح شد، کار و اشتغال زنان بود که ظاهری انسانی و باطنی ترس‌ناک داشت. آنان از طریق ترفندهایی زن را به کار بیرون از خانه دعوت کردند. از جمله این ترفندها می‌توان به این موارد اشاره کرد: بیان مالکیت زن بر دست‌مزد خویش، تبلیغ این موضوع که زن هم انسان است و حقوقی دارد، بیان این مسئله که زن برای کار در آشپزخانه خلق نشده است و نباید کنیز زندگی باشد، ایجاد نفرت علیه زندگی خانوادگی، و طرح جاذبه‌های جدید برای جذب او که همه این موارد از موضوعات مطرح در مکتب فمینیست است (کرمی‌پور و دیگران ۱۳۹۳).

فمینیست‌ها آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد را مکمل حقوق بشر دانسته‌اند و بر این عقیده‌اند که سخن‌گفتن از آزادی و حقوق بشر، بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق

او با مرد بی‌معنی است و همه مشکلات خانوادگی از نبود آزادی و تساوی حقوق زن و مرد ناشی می‌شود (بهشتی و احمدی‌نیا ۱۳۸۵: ۷۱). بی‌توجهی به مکمل‌بودن نقش زنان و مردان در اجتماع و ضرورت هماهنگی آن‌ها در جامعه سبب شد تا فمینیست‌ها تصویری خشن و سلطه‌گر از مرد ارائه دهند و برای به‌دست‌آوردن حقوق از دست‌رفته خود به اقداماتی دست بزنند و از آن‌سو، مردان نیز به اعمال حرکت‌های مشابه روی بیاورند (همان: ۷۶).

این مکتب بر مبنای انسان‌محوری و بهره‌وری هرچه بیشتر از زندگی مادی، خداوند را از جریان دینی بشر خارج کرده است تا انسان از این طریق از قیدوبند مسائل دینی و اخلاقی آزاد باشد و برای لذت‌جویی‌هایش مانعی نداشته باشد (گیلانی ۱۳۹۱: ۱۱۳). با وجود این که فمینیسم تعدادی از موانع موجود بر سر راه آزادی زنان را از میان برداشت، موانع و مشکلات دیگری را برای جامعه، به‌ویژه جامعه زنان، به‌وجود آورد. در این دیدگاه، به این موضوع توجه نشده بود که مسائل دیگری غیر از آزادی و تساوی حقوق زن و مرد مهم‌اند. از نظر آن‌ها «تساوی» با «تشابه» و «برابری» با «همانندی» یک‌معنا دارند و انسان‌بودن زن موجب شده است تا زن بودن او فراموش شود (بهشتی و احمدی‌نیا ۱۳۸۵: ۷۱-۷۲).

مسئله برابری حقوق زنان و مردان در عربستان از مسائلی است که در سال‌های گذشته توجه رسانه‌های بین‌المللی را به‌خود جلب کرده است. زنان، به‌دلیل گسترش شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، توانستند دنیای متفاوتی را تجربه کنند و همین سبب شد تا مسائلی مانند حق راندگی زنان و اعطای حق رأی به آن‌ها به مسئله‌ای چالشی درباره حقوق زنان این کشور تبدیل شود. در سال‌های گذشته، تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور موجب تشکیل جریان‌های نوگرایی دینی شد. این گروه‌ها، با تحت‌فشار قراردادن خاندان حاکم، اهداف رهایی‌بخش فمینیسم اسلامی را تحقق می‌بخشیدند. برای مثال، در سال ۱۹۷۰، فقط ۱۶/۴ درصد زنان بیش‌تر از شانزده سال آن کشور باسواد بودند، اما در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ این میزان به ۷۳ و ۸۹/۴ درصد رسید (محمدی و حاضری ۱۳۹۵: ۱۷-۱۸).

قوانین موجود همه کشورهای حوزه خلیج فارس بر امکان‌ناپذیر بودن تمایز بین مردان و زنان و وجود حق یک‌سان برای زنان در مقایسه با مردان تأکید دارد. در ماده ۲۶ فصل پنجم حقوق واجبات در عربستان به تساوی حقوق زن و مرد اشاره شده است (عطارزاده ۱۳۸۵: ۲۹). این کشور با امضای «قرارداده هزاره»، که سومین بند آن

«ارتقای برابری جنسیتی و توان‌مندی‌سازی زنان» است، تعهد خود را به برابری جنسیتی اعلام کرده است (کولایی و حافظیان ۱۳۸۵: ۴۲).

با وجود تسلط دائمی مردان بر مسائل گوناگون این کشور، در سال‌های اخیر، فمینیست‌های مسلمان عربستانی، با راه‌اندازی کمپین‌های مختلف، در صدد جانداختن مطالبات زنان در عرف و نزد دولت پدرسالار این کشورند، اما به دلیل ممنوعیت تظاهرات و وجود پی‌گردهای قانونی قدرت برگزاری این نوع تجمعات نیز از آنان سلب شده بود. از سوی دیگر، نقش تعالیم موجود در این کشور نیز شایان توجه است. موضوع سلطه دائمی مردان بر زنان از عواملی است که سبب شده است زنان عربستانی شرایط موجود در کشور خود را عادی قلمداد کنند و برای اصلاح آن دست به هیچ اقدامی نزنند (ارجمندی ۱۳۹۴: ۱۱۰).

دکتر صابر بلول در مقاله خود با عنوان «توان‌مندسازی سیاسی زنان عرب: تصمیمات و دستورات عمل‌های بین‌المللی و وضع موجود»، بر این اعتقاد بود که عوامل اقتصادی از مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی زنان در کشورهای عربی است و این وضعیت تحت‌تأثیر عوامل اجتماعی قرار دارد؛ به سبب وجود این باور که زن در مقایسه با مرد اثربخشی کم‌تری دارد و شرایط فیزیولوژیکی، روحی، و روانی او مانع انجام وظیفه به صورت مثبت می‌شود (همان).

مراکز آماری در کشورهای عربی، با استناد به منابع آماری، این موضوع را اثبات می‌کنند که نسبت انزوای زنان تحصیل کرده بالاست. مجله *الشراع* لبنان در سال ۲۰۰۷ در پژوهش‌های خود به این نکته اشاره کرده که نسبت حاشیه‌نشینی زنان در جهان عرب بیش از ۵۰ درصد در میان کل زنان عرب است (همان). براساس گزارش سال ۲۰۱۰ خانه آزادی، در عربستان سعودی با زنان به منزله اعضای یک‌سان در جامعه برخورد نمی‌شود و قوانین تبعیض‌آمیز گوناگونی درباره آن‌ها اعمال می‌شود (پهلوانی و گلستانی ۱۳۹۵: ۱۲۵). سہی الجندی در پژوهش خود با عنوان «واقع المشاركة السياسية للمرأة العربية» (الجندی ۲۰۱۳) به این موضوع اشاره کرده که مشکل زنان خاورمیانه نوع نگاه به آن‌هاست و انقلاب‌های سیاسی و تحول نگرش‌های اجتماعی، به شرط تغییر این رویکرد، می‌توانند مشکلات را حل کنند.

می‌توان به این نتیجه رسید که به دلیل تسلط احکام اسلامی و افراط نظام حاکم بر جامعه عربستان سعودی در رعایت برخی از این احکام، آرای فمینیستی در این جامعه به صورت واقعی رواج نیافته است و زنان در این اجتماع هنوز نتوانسته‌اند به آزادی‌های مدنظر

رویکردهای فمینیستی دست یابند. البته در سال‌های اخیر، با اصلاح بعضی از قوانین این کشور، آزادی‌های محدودی برای زنان در تعدادی از مسائل ایجاد شده است، اما این آزادی‌ها با نقطه ایدئال فاصله بسیاری دارد.

۳. فمینیسم و سدهای پیش روی آن

فمینیسم، به‌منزله مکتبی مردستیز و مدافع حقوق زنان، در کشورهای گوناگونی رشد و گسترش یافت و حامیان فراوانی را به‌خود جذب کرد، اما این مکتب برای حضور در کشورهای اسلامی، به‌ویژه عربستان سعودی، با موانع گوناگونی مواجه شد که در ادامه، به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱،۳ دین اسلام

دین اسلام از نخستین مکتب‌هایی به‌شمار می‌رفت که برای زن ارزش و جایگاه خاصی قائل شده بود و ارزش هر انسانی را، چه مرد و چه زن، تقوای آن‌ها می‌دانست (فرزاد ۱۳۹۲: ۱۵۰). «اسلام بر این عقیده بود که زن و مرد هر دو از یک جوهر انسانی آفریده شده‌اند و در تشکیل خانواده‌ها، اجتماع، و بقای نسل سهیم هستند» (حسینی‌زاده و دیگران ۱۳۸۹: ۳۴). این دین ایفای نقش‌های اجتماعی را برای زنان ممنوع نکرده و در آیات قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) برای زن و مرد حقوق جداگانه‌ای قائل شده است و هرکدام را به رعایت حقوق دیگری سفارش می‌کند، اما برخی حضور زن را برای ایفای نقش‌های اجتماعی نوعی انحطاط اخلاقی می‌دانند (شفیعی و اخباری ۱۳۹۴: ۱۱۸؛ بهشتی و احمدی‌نیا ۱۳۸۵: ۶۴).

از نظر اسلام، زن سرمایه‌ای است که می‌تواند در قشرهای جامعه تأثیر بگذارد. از این رو، پرداختن به مبانی حقوق اسلامی و امتیازبندی مبانی اصیل اسلام در مقایسه با مکتب‌های دیگر در عرصه حقوق خانوادگی زنان ضروری است (رام‌پناهی بی‌تا: ۳۸۷؛ خادمی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۲۳).

با وجود اعتقاد اسلام به برابری زنان و مردان، این دین برای هرکدام از این گروه‌های جنسیتی حقوق، مجازات‌ها، و تکالیف متفاوت و ویژه‌ای را وضع کرده که این تفاوت‌ها از نظر برخی از مکتب‌ها، مانند فمینیست، به‌معنای نادیده‌انگاشتن حقوق زنان و تحقیر آن‌ها بوده

است. «به‌عنوان مثال، آن‌ها برخی از قوانین و مقررات اسلامی مانند مهر، نفقه، طلاق، تعدد زوجات، و ... را تحقیر و توهین نسبت به جنس زن می‌دانند» و بر این اعتقادند که دین اسلام دینی مردسالارانه است که برای زنان حقوق شایسته‌ی یک زن را تعیین نکرده است. باید به این نکته توجه داشت که از نظر اسلام تساوی و تشابه باهم متفاوت است و اسلام اصل مساوات را در مورد این دو قشر رعایت کرده است (بهشتی و احمدی‌نیا ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳).

در رمان موضوعاتی چون حجاب، ازدواج، کالابودن زنان، و حق مادری و جوه اختلاف دو مکتب اسلام و فمینیسم قلمداد می‌شوند و اسلام در تحقق شعارهای این مکتب چون مانعی بر سر راه آن ظاهر می‌شود.

۱،۱،۳ حجاب محدودیت یا مصونیت؟

حجاب از جوه تمایز دو رویکرد اسلام و فمینیسم است. در دنیای پیشامدرن، به‌دلیل اعتقاد فطری انسان‌ها به حکم حجاب، نگرش خاصی به این مسئله وجود نداشت و موضوعی اجتماعی قلمداد می‌شد، اما در دنیای مدرن پدیده‌هایی نظیر استعمار، جهانی‌شدن، ورود زنان به عرصه‌های عمومی در کشورهای اسلامی، و حضور زنان محجبه در کشورهای غربی موجب شد که حجاب به‌منزله موضوعی اساسی محور مجادلات و گفت‌وگوهای بیش‌تر روشن‌فکران غربی با اندیشمندان اسلامی باشد (مرادی ۱۳۹۵: ۱۸۶).

در مکتب فمینیستی، حجاب شماییلی از متفاوت‌بودن دین اسلام است که نماد مغلوب‌بودن زن و ستم علیه آن‌ها در این جوامع به‌شمار می‌آید و هدف کنترل زنان را دنبال می‌کند تا به انزوای آن‌ها منجر شود. نظریات فمینیستی مدرن درصدد حذف این وجه به‌منزله نماد اصلی دینی پدرسالارانه بودند (مرادی ۱۳۹۵: ۱۸۶؛ احمدی و دیگران ۱۳۸۸: ۱۹۰). درحالی‌که براساس آیات قرآن کریم، حجاب و پوشش زن نه‌تنها بند و حصار نیست، بلکه نشانه‌ای از حرمت و حیثیت زن و موجب مصونیت اوست^۱ (گیلانی ۱۳۹۱: ۹۰).

در رمان به مسئله حجاب این‌گونه پرداخته می‌شود:

تلفتٌ حولی باحثةً عن مخرجٍ ولحسنِ الحظِّ تذکرتُ أنه بعد هذا المرتفع الصخری تکمنُ الهجرةُ التي تعملُ فيها، أی أنها قریبةٌ جداً من القرية، مسافةً كيلومتر واحد أویزید فقط لاغیر
أحکمتُ عباةتی الممزقةً حولی ومضیتُ فی السیر بلا حقیبةٍ أوحذاءٍ (العلیان ۲۰۰۰: ۱۵۲).

شخصیت اصلی داستان با وجود این که تصادف کرده است و کیف و کفش ندارد، سعی می‌کند تا چادرش را، که پاره شده است، حفظ کند و خود را از نگاه مردان در امان دارد. در این جامعه، اجباری بودن حجاب نهادینه شده است، تاجایی که خود زنان نیز در مواقع ضروری سعی می‌کنند که حجابشان را حفظ کنند و این تصور در ذهن آنهاست که بدون حجاب مردان به آنها نگاه می‌کنند و امنیت از آنها سلب می‌شود.

۲,۱,۳ کالابودگی زنان و ازدواج

ازدواج نیز از موارد اختلاف دو مکتب اسلام و فمینیسم به‌شمار می‌آید. با وجود ضروری بودن اجازه پدر برای ازدواج در اسلام، این موضوع هیچ تضادی با آزادی دختر در انتخاب همسر ندارد و رضایت و توافق دوطرف مهم است. اسلام بر این عقیده است که در این موضوع، پدر به‌منزله راهنما برای دختر خود ایفای نقش می‌کند و حق تحمیل رأی خود بر فرزندش را ندارد (قائمی امیری ۱۳۹۱: ۵۲).

اما از منظر فمینیستی، ازدواج محصول فرهنگ مردسالار قلمداد می‌شود و مردان در این جوامع جنسیتی سرکوب‌گرانه دارند. آنها بر این عقیده‌اند که ازدواج موجب می‌شود زن در جریان روزمره قرار بگیرد و مرد، به‌سبب داشتن قدرت حق انتخاب، خود را مجاز به نادیده‌گرفتن سلیقه‌های شخصی زن می‌داند (مهاجری ۱۳۹۷: ج ۳۶، ۸۰).

زن در این گونه جوامع چون برده یا رعیتی است که مردان خانواده طی قراردادی او را چون کالایی به همسری مرد دیگری درمی‌آورند و پیکرش خرید و فروش می‌شود (کرامتی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ مهاجری ۱۳۹۷: ۳۲-۳۳).

در کشور عربستان به موضوع ازدواج برخلاف قوانین اسلامی پرداخته می‌شود. «در جامعه کنونی عربستان، ازدواج تا حد بسیار زیادی همان سیمای سنتی خود را حفظ کرده» (همان: ۳۶). قوانین این کشور درباره حق مالکیت بر ازدواج زنان به‌گونه‌ای است که زنان پس از مردان در درجه دوم اهمیت قرار دارند (ارجمندی ۱۳۹۴: ۸۱). براساس بندهای موجود در کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، کشورها باید به‌منظور تعیین حداقل سن برای ازدواج اقدام کنند (مهرپور ۱۳۹۲: ۵۳۳)، اما در عربستان، تاکنون حداقل سن برای ازدواج دختران تأیید نشده است و ازدواج با کودکان خردسال، بنابر ملاحظات پولی، مالی، و قبیله‌ای، جایز شمرده می‌شود (ایل زکی ۱۳۹۶: ۸۵). ازدواج در این کشور «بیش از این که رابطه و پیمانی اخلاقی باشد، نوعی مبادله کالابه‌کالا

محسوب می‌شود؛ معامله‌ای که در آن زن زیبایی و جوانی خود را و مرد دارایی و ثروتش را در میان می‌گذارد» (حسینی ۱۳۹۳: ۲۱؛ افضل‌لی ۱۳۹۶: ۳۳).

در رمان، وقتی که «سعد» به خواستگاری «احلام» می‌آید، پدر احلام تهدیدهای اهانت‌آمیزی می‌کند و این عمل او را فساد می‌داند: «أَخَذْتُ مَكَانِي بَيْنَهُمْ لِحِظَاتٍ قَبْلَ أَنْ أَسْمَعُ صَوْتَ أَبِي وَ هُوَ يَعْلُو صُرَاخَةَ الَّذِي أَخَذَ يَتَرَدَّدُ فِي أَنْحَاءِ الْبَيْتِ: إِنِّي لَيْسْتُ لِلزَّوْجِ ... إِنَّهَا مَخْطُوبَةٌ، هُوَ يَصْرُخُ... الْفَجُورُ وَ الْإِنْحِلَالُ مَكَانَهَا لَيْسَ بَيْتِي، لَمْ يُدْنَسْ بَيْتِي قَبْلَ الْآنِ» (العلیان ۲۰۰۰: ۱۳۸-۱۳۹). در این مثال، برخلاف قوانین اسلامی، رضایت خود دختر ملاک نیست و پدر بدون مشورت با دخترش با این ازدواج مخالفت می‌کند.

این مثال نیز مظهر تأییدی بر موضوع اهمیت‌نداشتن رضایت دختر در ازدواج است. پدر «احلام» قصد دارد تا با ازدواج دخترش با پیرمردی هم‌سن و سال خودش موافقت کند: «استعدی... زواجک علی ابی علی بعد شهر واحد فقط... لقد طلبک منی مرأت عديده و الآن فقط ساجبيه لطلبه أبوعلی... إنه الشيخ السبعيني تاجر قطع الغيار، زوج لامرأتين و أب لخمسة عشر ولداً و بنتاً...» (همان: ۱۴۰)، حال آن‌که دختر اصلاً این فرد را نمی‌شناسد: «من هو أبوعلی هذا...» (همان) و به‌هیچ‌وجه تمایلی به این ازدواج ندارد: «لا يا خالته... لا يا سعد... أرجوك لا تعدني إلى هناك أبداً. دعهم يعتقدون بأنني مت محترقة، فالموت أهون عندي من أن يزوجوني إلى شيخ في عمر أبي...» (همان: ۱۵۵-۱۵۶). این ازدواج در نظر او چون خرید و فروش برده‌ای است: «... إنه يبيعي بثمان بخس ويعرض علي ببساطة أن أكفن نفسي للموت للموت القادم...» (همان: ۱۶۸) و مرگ را بهتر از ازدواج با این فرد می‌داند. در این نمونه‌ها، به نظرهای اسلام اعتنایی نشده و قوانین رایج عربستان و موضوعات مطرح‌شده در نظریات فمینیستی در آن‌ها قابل مشاهده است.

۳،۱،۳ حق مادری

موضوع «سقط جنین و حق مادری» را می‌توان نمونه دیگری از عقاید فمینیستی دانست که دین اسلام به‌منزله مانعی بر سر تحقق آن در جوامع اسلامی قرار گرفته است. فمینیست‌ها برای رسیدن به شعار احقاق حقوق زنان، حق طبیعی مادر بودن را انکار می‌کنند و آن را نشانه‌ای از بردگی می‌دانند (فخاری ۱۳۹۵: ۱۶۹). سیمون دوبووار معتقد بود که تولیدمثل کارکردی صرفاً طبیعی و حیوانی است که با امکان رشد و تعالی زن منافات دارد

(بستان‌نجفی ۱۳۷۹: ۶۹) و نقش مادری ریشه فشار بر زنان و نوعی خدمت عاطفی به مردان است که سبب می‌شود زنان مجبور شوند کاری یک‌نواخت و ملال‌آور انجام دهند که نتیجه‌اش بازداشتن آن‌ها از مشارکت در جامعه بزرگ‌تر و نرسیدن به برابری با مردان است (طائب ۱۳۹۶: ۱۶۱). آن‌ها بر این اساس که جنین بافت انسانی ناخواسته است، ارزش مادری را تحقیر می‌کنند و کودکان را مانعی برای رسیدن به هدف برابری با مردان می‌دانند. فایرستون معتقد بود که نقش مادری باید از فرهنگ بشری حذف شود و فمینیسم اجتماعی جای‌گزین آن شود. این مکتب با تکیه بر نظریات دوبووار، غریزه مادری را نتیجه تربیت سنت‌های پدرسالارانه می‌داند (پاسنو ۱۳۸۴: ۱۰۰؛ ربانی اصفهانی و یزدخواستی ۱۳۹۴: ۱۲۹). پیروان این مکتب در دهه‌های گذشته برای آزادسازی سقط جنین میان جوامع تلاش‌هایی جدی کرده‌اند. سردمداران این نظریه، از جمله دوبووار، با ارائه وضعیت نامطلوب کودکان ناخواسته و مشکلات آن‌ها، غیراخلاقی بودن سقط جنین را رد می‌کنند. آن‌ها اجازه‌نداشتن برای سقط جنین را نوعی ستم جنسی می‌دانند و بر این اساس که کنترل باروری و سقط جنین قانونی امکان مادری آزادانه را به زن اعطا می‌کند و آن‌ها را در کنترل بدنشان آزاد نگه می‌دارد، بر وجود این قانون برای زنان اصرار می‌ورزند (کرامتی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ دوبووار ۱۳۸۰: ۳۴۰؛ بستان‌نجفی ۱۳۷۹: ۶۹)

اما این نگرش فمینیستی، به‌جای حل مسئله، صورت‌مسئله را پاک کرده است (رشاد ۱۳۷۹: ۳۷). اسلام با وجود مخالفت با آزادی بی‌قید و شرط این مسئله به‌دلیل این‌که جنین نفس محترمه است و سقط آن علاوه بر غیراخلاقی بودن عوارض و پی‌آمدهای زیان‌باری را برای مادران به‌دنبال دارد (کرامتی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۷۲) آن را حرام ندانسته است و تنها در زمانی مجاز می‌داند که ادامه بارداری موجب واردشدن ضررهای جبران‌ناپذیر به مادر شود و این مسئله به تأیید پزشکان برسد. در غیر این صورت، سقط جنین حرام و گناهی بزرگ است که مجازات در پی دارد (کهریزی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۱).

نرخ باروری در کشور عربستان از سال ۲۰۰۶ به بعد از ۲۱ درصد به ۳/۴ درصد رسیده است (ارجمندی ۱۳۹۴: ۱۱۸) که این موضوع را می‌توان نشانه تأثیر فرهنگ فمینیستی در جامعه عربستان دانست. در این کشور، سقط جنین زمانی مجاز است که ادامه بارداری برای مادر خطری داشته باشد و این عمل تنها راه نجات مادر به حساب بیاید، اما این عمل فقط تا چهارماهگی بارداری مجاز است و رضایت شوهر (یا قیّم زن) برای انجام این کار الزامی است. براساس آمار، در سال ۲۰۰۶، فقط پنج نفر مقیم عربستان سقط قانونی انجام

داده‌اند که هر پنج نفر آن‌ها در کشورهای دیگر این کار را کرده‌اند. باتوجه‌به این قوانین محدودکننده، در این کشور هر ساله تعداد زیادی سقط جنین غیرقانونی انجام می‌شود (رستمی و دیگران ۱۳۹۲: ۹۵).

در رمان به مسئله سقط جنین این‌گونه پرداخته شده است:

لم أتحمّل الأملَ و هو يتحول إلى وهمٍ و سرابٍ، طفلي المنتظرُ يَتمزقُ إلى أشلاءٍ يحويها الترابُ ... جَننتُ ... افعلتُ مشاجرةً مع الطبيبِ أتهمهُ فيها بتعمده إجهاضَ زوجتي ... حاول أن يُفهمني و أن يشرح لي، لكنني صددته ... وتطور النقاشُ إلى أن إتهمتُهُ بسرقة الأدوية من صيدلية المستشفى وبيعها (العليان ۲۰۰۰: ۱۳۰).

در این نمونه، باوجود انجام سقط جنین، زن این عذاب وجدان را پیدا می‌کند که جنایت کرده است. همسرش نیز به شدت به این موضوع واکنش نشان می‌دهد و پزشک را مقصر اصلی این اتفاق قلمداد می‌کند. می‌توان گفت که مردان با غلبه تفکر فمینیستی در جامعه خود، به این موضوع واکنش شدیدی نشان نمی‌دهند، اما در جامعه اسلامی، به‌ویژه عربستان، این موضوع برای مردان غیرقابل گذشت و بخشش‌ناپذیر است و به آن واکنش‌های عصبی شدیدی نشان می‌دهند.

۲,۳ سوءبرداشت مردان از قوانین اسلامی و مردانه‌بودن قوانین عربستان

مردسالاری در معنای عام، به «رقابت‌های سخت از سوی مؤسسه یا غیر آن بر دیگری به‌منظور تحقق‌بخشیدن به مصلحت اطلاق می‌شود» (بلاوی و دیگران ۱۳۹۹: ۲۳۷)، اما این مفهوم در معنای خاص خود، به بیان «ارتباط سلطه‌گری یا تسلط میان کشورها یا طبقات اجتماعی» می‌پردازد که این تعریف از مردسالاری، اغلب در حیطه‌های نقد مارکسستی، مردسالاری، و فمینیستی مطرح است (همان). در جوامع مردسالار، مردان فقط به این دلیل که مرد متولد شده‌اند، عصبانیت، عصبانیت، و سرزنش‌گری را حق مسلم خود می‌دانند و به همین دلیل، به خود اجازه می‌دهند که هرگونه می‌خواهند درمقابل زنان رفتار کنند (همان: ۲۴۱). عربستان تنها کشوری است که در قانون اساسی، برابری زن و مرد را نپذیرفته است و زنان با بیش‌ترین تبعیض‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی مواجه‌اند. سرشت مذهبی دولت عربستان سعودی، حقوق زنان را در چهارچوب مبانی فقهی به‌رسمیت می‌شناسد و مفتی‌های عربستان تعیین مسائل مربوط به زنان را در اختیار دارند

(محمدی و حاضری ۱۳۹۵: ۱۷). در این کشور، مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان مجاز نیست و با درخواست زنان برای انجام این مشارکت‌ها براساس قانون مقابله می‌شود (گودوین ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹).

زنان عربستانی به دلایل ذیل وضعیت حقوقی مناسبی ندارند:

۱. عدم تصریح برابری زن و مرد در قانون اساسی و سخت‌گیری شدید نهادهای حکومتی پدرسالار علیه زنان؛
۲. مخالفت بیش‌تر مردم عربستان با برابری زنان با مردان و اعتقاد بر وجود برخی از محدودیت‌ها برای زنان (ارجمندی ۱۳۹۴: ۶۴).

هالیدی نیز در کتاب *عربستان بی‌سلاطین* به این موضوع اشاره می‌کند که در کشورهای خلیج فارس زنان تحت سلطه حاکم کشورها، به‌منزله حاکم سیاسی، سلاطین قبیله‌ای که شیوخ‌اند، سلاطین مذهبی که مفتی‌ها و رؤسای مذهبی‌اند، و سلاطین خانواده که پدر، شوهر، و برادر در این دسته‌اند، قرار دارند (پهلوانی و گلستانی ۱۳۹۵: ۱۲۴).

«خانه آزادی در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، به این نکته اشاره کرده که زنان عربستانی به‌شدت از خشونت خانگی، بی‌سوادی گسترده، و امکانات نامناسب بهداشتی در عذاب هستند» و بنابر سنت و قوانین موجود در زندگی روزمره خود با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند و قربانی سیستماتیک در تمامی عرصه‌های اجتماعی هستند (کریمی ۱۳۹۰: ۷۳).

این کشور با وجود تعهد برای اعمال وضعیت برابر برای زنان و مردان، از نظر شاخص‌های شکاف جنسیتی، رتبه ۱۲۷ را دارد. از نظر پژوهش‌گران علوم اجتماعی، وضعیت زنان عربستانی به نظام تبعیض نژادی آفریقای جنوبی شبیه است (مصری بی‌تا؛ ارجمندی ۱۳۹۴: ۸۱).

براساس موارد صریح اعلامیه حقوق بشر، زنان نیز همانند مردان حق رفتن به دادگاه و احقاق حقوق خود را دارند، اما در جامعه عربستان، تبعیض جنسیتی به‌حدی است که آنان از پی‌گیری و شکایت در برابر خشونت‌هایی که علیه‌شان اعمال می‌شود، صرف‌نظر می‌کنند. زنان عربستانی به‌تنهایی حق شکایت و حضور در دادگاه را ندارند و دادگاه تازمانی که زن عربستانی از قیم خود اجازه‌ای نداشته باشد، به شکایت او رسیدگی نمی‌کند. صادر نکردن کارت شناسایی برای زنان، وابستگی آن‌ها را به مردان بیش‌تر کرده

است. آن‌ها حق افتتاح حساب، ثبت‌نام فرزند در مدرسه، گرفتن کارنامه او، و سفر با کودک خود را نداشتند و براساس قانون، از اشتغال در مشاغلی چون قضاوت، فروشندگی، و وکالت محروم بودند، اما پس از تلاش‌های فمینیست‌های اسلام‌گرا، در سال ۲۰۰۹ دولت عربستان اجازه داشتن تلفن همراه، کارت شناسایی مستقل، و انتقال دارایی‌های زنان را در دفاتر رسمی صادر کرد. در سال ۲۰۱۱ نیز داشتن گواهی‌نامه رانندگی مجاز شد و در سال ۲۰۱۳، به شرط حضور یکی از محارم، اجازه رانندگی برای زنان صادر شد (گودوین ۱۳۸۳: ۱۸-۱۹)، ولی برخی موضوعات مانع اجرای کامل همه این دستورات شده است.

براساس گزارش‌های بین‌المللی، باوجود تعهد عربستان برای اعمال‌نکردن شکنجه و رفتارهای ظالمانه در زندان در سال ۱۹۹۷، زنان زندانی این کشور وضعیت مساعدی ندارند (ایل‌زکی ۱۳۹۶: ۸۳).

این سوءبرداشت مردان از قوانین اسلام، سبب شده است تا زنان در عرصه‌های گوناگون به مردان وابسته باشند و هر نوع تحقیر از سوی آن‌ها را تحمل کنند، بدون این‌که اعتراضشان به نتیجه‌ای برسد. در رمان، مشکلات زنان در مسائل مختلف مشاهده می‌شود. نویسنده از این طریق، سوءبرداشت مردان از قوانین اسلامی و مردانه‌بودن قوانین عربستان را بیان کرده است که در ادامه شرح داده می‌شود.

۱،۲،۳ اشتغال زنان و وابستگی‌های مالی

اشتغال زنان از نمونه‌های برداشت غلط از قوانین اسلامی در عربستان است. اسلام در این مورد فقط به اعمال محدودیت‌های اندک، که به دلیل تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و عفت عمومی ممکن است در اشتغال زنان تأثیرگذار باشد، بسنده کرده است و زنان را از جنبه‌های دیگر با مردان برابر می‌داند و به آن‌ها اجازه داده است که مشروط به تغییرنکردن طبیعت زنانه‌شان، منع‌نشدن از تربیت فرزندان، و نگهداری خانواده فعالیت‌های گوناگون داشته باشند (بستان‌نجفی ۱۳۷۹: ۹۴؛ العبدلخانی و بحرینی ۱۳۹۴: ۱۲۲). هم‌چنین، درباره کار زنان در خانه بر این اعتقاد است که به‌هیچ‌وجه انجام کار خانه وظیفه زن نیست و نباید هیچ‌گونه تحمیلی برای انجام کار خانگی وجود داشته باشد. فقهای اسلامی بر این عقیده‌اند که «زن وظیفه ندارد که کارهای خانه را انجام دهد، مگر به میل خود» (کهریزی و مرادی ۱۳۹۴: ۲۸؛ بنیان ۱۳۸۹: ۱۴۸).

اما فمینیست‌ها، با برجسته‌سازی بحث اشتغال زنان، این تفکر را رواج دادند که اگر زن می‌توانست هم ثروت‌مند باشد هم مستقل، اهمیت نگران‌کننده‌ای برای نظام مردسالار می‌یافت (دوبووار ۱۳۸۰: ۱۰۱) و فرودستی و وابستگی اقتصادی از عوامل اساسی اجبار آن‌ها به ازدواج به‌شمار می‌آید. از نظر آن‌ها، تنها روش دستیابی به برابری اقتصادی زنان با مردان، کسب درآمد توسط زن با اشتغال تمام‌وقت در خارج از خانه است و زن و مرد باید استقلال اقتصادی خود را حفظ کنند (کهریزی و مرادی ۱۳۹۴: ۲۵؛ گراگلیا ۱۳۸۳: ج ۲، ۸۷). از نظر فمینیست‌ها، استقلال و آزادی زنان فقط با سهم‌شدن در کار تولید قابل دستیابی است (کرامتی و دیگران ۱۳۹۰: ۱۵۴). آن‌ها کار خانگی را وسیله‌ای برای استثمار زنان می‌دانند که در مقایسه با فعالیت اقتصادی ارزش کم‌تری دارد و زنان را محکوم به عقب‌ماندگی می‌کند (خسروشاهی و مؤمنی‌راد ۱۳۹۴: ۱۲۹). از نظر فمینیست‌ها، محیط خانه برای زنان جایگاه اصلی مبارزه است تا آن‌ها از این طریق بتوانند برای کاری که انجام می‌دهند، دست‌مزد مطالبه کنند (مهاجری ۱۳۹۶: ۶۰).

در جامعه عربستان، اشتغال زنان ممنوع نیست، اما برای اشتغال آن‌ها نیز قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع شده است که زن به‌سختی و با رعایت این قوانین می‌تواند مشغول به کار شود. اشتغال زنان عربستانی در هر شغلی، به‌جز پرستاری و آموزش، ممنوع است. آموزش نیز به کلاس‌های دختران محدود است و به اجازه همسر و مجوز وزارت امور اسلامی نیاز دارد. زن برای اشتغال خود باید ثابت می‌کند که برای گذراندن زندگی به پول بیش‌تری نیاز دارد. محل کار آن‌ها باید در محیط خانه باشد و مردان نیز به آن خانه رفت‌وآمد نداشته باشند، زیرا از نظر علمای وهابی، گماردن زن به هر کاری که سبب ارتباط یا همکاری با مردان شود، با شریعت اسلامی در تضاد و حرام است (ارجمندی ۱۳۹۴: ۸۱؛ ایل‌زکی ۱۳۹۶: ۹۲).

بنابر گزارش وزارت دارایی عربستان سعودی، نزدیک شصت درصد سرمایه‌گذاران در بورس و چهل درصد سرمایه‌گذاران در بخش مستغلات را زنان تشکیل می‌دهند و فقط چهارده درصد نیروی کار آن کشور را شامل می‌شوند، درحالی‌که دست‌مزد دریافتی آن‌ها نیز در مقایسه با مردان با تبعیض مواجه است و میانگین حقوقشان طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ چندین بار کاهش یافته است (علوی لنگرودی ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹). می‌توان گفت که در عربستان سعودی، نوعی زن‌ستیزی قانونی رواج دارد که طی آن مردان،

به دلیل برخی از قوانین و دستورالعمل‌های ناعادلانه، سعی کرده‌اند بر زنان سلطه پیدا کنند (بلاوی و دیگران ۱۳۹۹: ۲۴۴).

در رمان، همسر «سعاد» به منزله نمونه‌ای از مردان جامعه مردسالار و شخصیتی سرکوب‌گر ظاهر شده است: «و زوجی بعد الطلاق لیبقینی فی بیته دقیقه واحدة، فهو أبخل رجل فی الوجود. إنه یسبقینی الآن لأننی أمثل له خادمة بدون أجر و مریة لأطفاله...» (العلیان ۲۰۰۰: ۱۱۶). در این نمونه، زن ناچار است از همسر خویش اطاعت کند و بنابر فرهنگ موجود، جایگاه فرودست خود در مقایسه با مردان، ناتوایی در تعیین سرنوشت، نقش خانه‌داری، و تربیت فرزندان بدون دریافت هرگونه مزدی را پذیرفته است.

در «فی ضباب آلامی و أوهامی، جاءتني زوجة أبي و شقیقتی بدرية یعلنان لی بأن أبی قد عفا عنی و سمح لی بالعودة إلى عملی بشرط الالتزام بكل قوانینه بحریتها» (همان: ۱۷۲)، به موضوع اشتغال زنان در جامعه سعودی، موانع موجود بر سر این هدف، و قوانین سخت‌گیرانه اشتغال در این کشور اشاره می‌کند. او به این موضوع اشاره می‌کند که پدرش فقط در صورتی با اشتغال و بازگشت او به عرصه کار موافقت می‌کند که همه قوانین و مقررات اشتغال در آن کشور را رعایت کند.

۲,۲,۳ زن و تعدد زوجات مرد

در دیدگاه اسلام، هرکسی اجازه ندارد که همسران متعددی اختیار کند و تعدد زوجات مشروط به عدالت مردان است. منظور از عدالت، عدالت در رفتار است که عدالت در نفقه، اظهار تمایل، رفت‌وآمد، و حضور در منزل از مصداق‌های آن به‌شمار می‌آید و مرد باید آن‌ها را مراعات کند. این شرط مقام دست‌نیافتنی‌ای نیست که به دلیل آن بتوان مردان را از دواج مجدد بازداشت (مطهری ۱۳۸۹: ۲۸۵؛ حسینی ۱۳۸۹: ۱۳۱).

در جامعه سنتی عربستان، بیش‌تر ثروتمندان بیش از یک همسر اختیار می‌کنند:

تعدد زوجات مسئله‌ای است که هر زنی در این کشور باید آن را به‌عنوان یک اصل بپذیرد و در هر شرایطی، تحمل زنان مختلف از کشورها و فرهنگ‌های متفاوت در محیط خانه را وظیفه خود پنداشته‌اند؛ به‌حدی که گویی تعدد زوجات از اصول دین شمرده می‌شود و اعتراض به آن برابر اعتراض به قانون خداوند است (عبدالله‌پور ۱۳۸۷: ۱۲۷).

این موضوع در رویکرد فمینیستی به‌صراحت نکوهش شده است. دوبروار هرگونه رابطه زن و شوهری را به‌بهانه تحقیر زنان رد می‌کند و از نظر انگلس ظهور مالکیت خصوصی و پدرتباری در خانواده تک‌همسری را توجیه می‌کند و مردان نیز باید مانند زنان تک‌همسری را پیشه کنند. در آرای فمینیستی، سلطه مردانه در دو شکل پدرتباری و پدرسالاری، فقط نتیجه تقسیم طبقاتی میان مرد صاحب دارایی و زن بدون دارایی است (تانگ ۱۳۸۷: ۸۸).

در متن رمان، راوی به این موضوع اشاره می‌کند که پدرش با ازدواج مجدد با دختری جوان، مادرش را تحقیر کرده است: «تزوج اُبی... تزوج بنتاً صغيرة لا تتجاوز سنها العشرين عاماً...» (العلیان ۲۰۰۰: ۱۵)، اما مادر خانواده تحمل خود را از دست می‌دهد و قصد دارد خانه را ترک کند:

...هتفت أُمی بعصیته: إلی الجحیم... لکننی لن أنتظر دقیقة واحدة فی هذا البیت... فتح أُمی الباب یهدوء ثم وقف لحظة یقیس موقف قبل أن یقول: أعبدی الحقیبة إلی مکانها یا أم صالح... وکونی هادئة وطیبة فلن تخرجی من بیتک إلا إلی القبر... (همان: ۱۶).

اما مرد در برابر عصبانیت او با خون‌سردی زن را از رفتن منع می‌کند و پس از خانه تنها جای مجاز برای او را قبر می‌داند. مرد خانواده این عمل را حق قانونی و مسلم خود می‌داند و عصبانیت همسرش را درک نمی‌کند. این کار پدر خانواده خیانتی در حق مادر احلام شمرده می‌شود. این خیانت به آزار و اذیت روحی زنان، در این مورد مادر احلام، منجر شده و این تأثیر منفی به‌حدی است که زن دچار اختلال روانی می‌شود و این بی‌توجهی را توهین و تحقیر خود به‌شمار می‌آورد.

۳،۲،۳ حق تحصیل

اجازه تحصیل و آموزش را می‌توان از مصداق‌های مردانه‌بودن قوانین کشور عربستان دانست؛ در جامعه سعودی، زنان از نظر قانونی به‌شدت با تبعیض‌های موجود در عرصه‌های آموزش و تحصیلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تلاش فعالان حقوق زنان در عربستان و سازمان‌های بین‌المللی برای بهبود وضعیت آموزش دختران انکارناپذیر است. براساس ماده ۱۵۳ سیاست آموزشی عربستان سعودی، هدف از آموزش دختران، انتقال احکام واقعی اسلام برای پرورش زنان خانه‌دار و مادران دلسوز بیان شده است. باوجوداین، هنوز هم

زنان حق حضور در مکان‌های عمومی را ندارند (گودوین ۱۳۸۳: ۴۳). تا سال ۲۰۰۰، تحصیل دختران در این کشور به اعلام رضایت و اجازه ولی منوط بود که سبب شد تا بسیاری از دختران در سنین کم از تحصیل دست بکشند، اما کنوانسیون «رفع تبعیض علیه زنان» این شرط را ناقض ماده ۲۹ تعهدنامه عنوان کرد (همان) و بستری برای آموزش و تحصیل زنان فراهم شد. با وجود این، براساس آمار دولت سعودی، ۵۵ درصد دانش‌آموزان ابتدایی، ۷۹ درصد دانش‌آموزان متوسطه، و ۸۱ درصد دانش‌آموزان دبیرستان را پسران تشکیل می‌دادند (ایلزکی ۱۳۹۶: ۹۱). برپایه آخرین آمار تا سال ۲۰۱۱، میزان ۵۱/۳ درصد دانش‌آموزان این کشور را دختران تشکیل می‌دادند (المیزر ۲۰۱۷: ۱۴۶).

در رمان، سعاد با همسر پدرش اختلاف داشت و این اختلافات سبب شد که پدرش او را از تحصیل محروم کند تا هیچ اطلاعی از حقوق خود نداشته باشد، به‌راحتی بتواند به او ستم کند، و سعاد را مجبور کند در برابرش تسلیم شود.

شقیقتی سعاد دائمة الخلاف مع زوجة أبي علي كل صغيرة و كبيرة. عنادها الدائم أودی بها
إلى الحرمان من الدراسة و زواج غير متكافئ في مدينة بعيدة ... دون أي إعتراض من أحد
فقد خنت كلمة (لاحول ولا قوة الا بالله) إلى الابد (العلیان ۲۰۰۰: ۲۲).

زیرا «در صورتی که زن آگاه و بر "نه" گفتن توانا شود، پایه‌های نظام پدرسالاری و مشروعیت آن می‌لرزد» (شرابی ۱۹۸۷: ۹).

پس از بررسی مصداق‌های مطرح‌شده در رمان با تکیه بر نظرهای فمینیستی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که این نوع از سلطه و مردسالاری را، که نمونه‌هایی از آن در رمان نیز گذشت، می‌توان مصداقی برای بیان موضوع زن‌ستیزی عاطفی دانست. در این نوع از زن‌ستیزی، مردان بیش‌تر روان زنان را هدف قرار می‌دهند و تهدید می‌کنند.

۴. نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح‌شده می‌توان نتایج ذیل را استنباط کرد:

۱. پس از انقلاب صنعتی و اهمیت اشتغال زنان، حامیان اندیشه‌های سرمایه‌داری با طرح مسائلی چون برابری و مساوات بین حقوق زن و مرد و نظرهایی مطابق با رویکردهای فمینیستی مانند ستم مردان به زنان و غیره، سعی کردند این بخش از جامعه را

برای حضور در مشاغل گوناگون جذب کنند. رویکردهای فمینیستی با حذف خدا و رویکرد معنوی و دینی، زنان را برای انجام بسیاری از کارها آزاد گذاشتند و هرگونه دخالت و ایجاد مانع را مردود می‌دانستند. کشورهای اسلامی، به سبب حاکمیت قوانین اسلام بر آنها، نمی‌توانستند قوانین بی‌حدومرز فمینیستی را بپذیرند و آنها را در جامعه خود رواج دهند. این موضوع نیز قابل توجه بود که برخی از کشورهای اسلامی، مانند عربستان سعودی، از قوانین اسلامی تفسیر متفاوتی داشتند که سبب محدودیت بیش از حد بانوان در این کشور شده بود.

۲. نویسنده رمان *انثی/العنکبوت* سعی کرده است تا با بیان مطالبی سدهای موجود بر سر آزادی زنان و اعمال نظره‌های فمینیستی در این کشور را نشان دهد. دین اسلام، خودباختگی زنان، مردانه‌بودن قوانین عربستان، و سوءبرداشت مردان از قوانین اسلامی و رایج در کشور عربستان از جمله سدهای موجود در این کشور است.

۳. قماشة العلیان در داستان خود با توسل به ساختار اجتماعی عربستان و بیان نمونه‌های مختلف، به معضلات گوناگون زنان چون حق تحصیل، حجاب، ازدواج، سقط جنین، و اجازه اشتغال در کشور خود پرداخته است و ستم‌های روا شده بر زنان در این کشور را به مخاطب خود نشان می‌دهد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

احمدی، حبیب، علی روحانی، و محسن زهری (۱۳۸۸)، «تبیین واقعیت اجتماعی حجاب از منظرگاه فمینیستی مدرن و پست‌مدرن و آرای اندیشمندان اسلامی»، *بانوان شیعه*، س ۶، ش ۲۰، ۱۸۷-۲۲۰.

ارجمندی، علی‌اکبر (۱۳۹۴)، *تحلیل حقوق شهروندی زنان در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس با تأکید بر رویکرد ساختارگرا-کنش‌گرا (مطالعه موردی: کویت و عربستان سعودی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز: واحد بین‌الملل.

افضلی، علی (۱۳۹۶)، «مطالعه سرمایه اجتماعی زنان در عربستان براساس نظریه پیر بوردیو؛ مطالعه موردی: رمان دختران ریاض»، *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، س ۶، ش ۹، ۲۱-۳۹.

ایل‌زکی، اعظم (۱۳۹۶)، «سایه و هابیت بر حقوق زنان عربستان»، *فصل‌نامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، س ۳، ش ۸، ۵۱-۱۰۲.

- بستان‌نجفی، حسین (۱۳۷۹)، *نابرابری و ستم جنسی در خانواده از دیدگاه اسلام و فمینیسم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بلاوی، رسول، مینا غانمی اصل عربی، و ناصر زارع (۱۳۹۹)، «بازتاب مردسالاری در شعر ناریمان علوش»، *نقد ادب معاصر عربی*، ش ۲۱، ۲۳۳-۲۵۴.
- بنیان، فاطمه‌سادات (۱۳۸۹)، *مبانی برابری اخلاق زن و مرد در اسلام و فمینیسم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم انسانی مرکز پیام نور.
- بهشتی، سعید و مریم احمدی‌نیا (۱۳۸۵)، «تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی»، *تربیت اسلامی*، ش ۳، ۴۱-۸۸.
- پاسنو، دایانا (۱۳۸۴)، *فمینیسم، راه یا بی‌راهه*، ترجمه محمدرضا مجیدی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف.
- پهلوانی، الهام و محمود گلستانی (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ سیاسی زنان کشورهای حوزه خلیج فارس (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی)»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، ش ۸، ۸۷-۱۳۷.
- تانگ، رزماری (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- تایسن، لوئیس (۱۳۹۴)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز.
- حسینی، رقیه (۱۳۹۳)، *بررسی فقهی حقوقی اشتغال زنان با رویکردی بر قوانین عربستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- حسینی‌زاده، سیدعلی و دیگران (۱۳۸۹)، «نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات (مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی)»، *دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی*، س ۵، ش ۱۱، ۳۳-۵۸.
- خادمی، مریم، طاهره‌سادات نعیمی، و سیدمحمد موسوی‌مقدم (۱۳۹۳)، «مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، س ۶، ش ۱۱، ۲۲۹-۲۵۶.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و فهیمه مؤمنی‌راد (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اشتغال زنان در مکتب اسلام و فمینیسم»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، س ۲۱، ش ۱، ۱۳۴-۱۱۷.
- دویووار، سیمون (۱۳۸۰)، *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس.

فمینیسم و رمان‌های سعودی ... (بهنام فارسی و زهرا اسفندیاری) ۶۷

- ربانی اصفهانی، حوریه و بهجت یزدخواستی (۱۳۹۴)، «بررسی کیفی تأثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی: زنان شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، س ۲۶، ش ۲، ۱۲۵-۱۴۰.
- رستمی، سحر و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان»، *فصل‌نامه تاریخ پزشکی*، س ۵، ش ۱۷، ۷۹-۱۱۱.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *آسیب‌شناسی فمینیسم*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- شرابی، هشام (۱۹۸۷)، *البنیة البطرکیة (بحث فی المجتمع العربی المعاصر)*، بیروت: دارالطبیعة.
- شفیعی، نوذر و محسن اخباری (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقش زن در سیاست از منظر اسلام و فمینیسم»، *مجله مطالعات میان‌فرهنگی*، س ۱۰، ش ۲۴، ۹۹-۱۲۵.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴)، *نقد ادبی*، تهران: میترا.
- العبدالخانی، ساجده و محمدجواد بحرینی (۱۳۹۴)، «جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، س ۳، ش ۵، ۱۱۹-۱۳۷.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)، «فمینیسم و کارآمدی آن در دفاع از حقوق زنان مسلمان خاورمیانه در زمینه اشتغال»، *فصل‌نامه بانوان شیعه*، س ۳، ش ۹، ۷-۴۶.
- علوی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۶)، «سهم زنان در بانک‌داری مردانه عربستان»، *مجله بانک و اقتصاد*، ش ۸۴، ۲۸-۲۹.
- العلیان، قماشه (۲۰۰۹)، *أنثی العنكبوت، الرياض: دارالکفاح للنشر و التوزیع*.
- فخاری، فهیمه (۱۳۹۵)، *زن در دو مکتب کلاسیسم و رمانتیسم در پرتو نظریه فمینیسم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سمنان: دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان.
- فرزاد، نازنین (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان مرد در شعر فروغ فرخزاد و غادة سمان»، *فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی*، ش ۱۷.
- کرامتی، معصومه و دیگران (۱۳۹۰)، «تیین ملاحظات جنسی و جنسیتی در رویکرد فمینیسم اگزیستانسیالیست و نقد چالش‌های ارزشی آن براساس آموزه‌های اسلامی»، *پژوهش‌نامه تربیتی*، ش ۲۸، ۱۴۵-۱۹۰.
- کرمی، کامران (۱۳۹۰)، «اعطای حق رأی، سناریوهای پیش روی زنان در عربستان سعودی»، *مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*.
- کرمی‌پور، یعقوب، منصور حقیقتیان، و رضا اسماعیلی (۱۳۹۳)، «زن در نگاه غرب»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.

- کولایی، الهه و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۵)، «نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی»، پژوهش زنان، س ۴، ش ۱ و ۲، ۳۳-۶۰.
- کهریزی، مهوش، سیدعلی حسینی‌زاده، و حسین بستان (۱۳۹۳)، «چالش‌های اخلاقی فمینیسم در فرزندآوری از دیدگاه اسلام و راه‌کارهای آن»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۲۸، ۷-۲۴.
- کهریزی، مهوش و علی مرادی (۱۳۹۴)، «چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده (بررسی تطبیقی اسلام و فمینیسم و ارائه راه‌کارها)»، پژوهش‌نامه اخلاق، ش ۲۸، ۲۳-۴۰.
- گودوین، ویلیام (۱۳۸۳)، عربستان سعودی، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: ققنوس.
- گیلانی، نرگس (۱۳۹۱)، بررسی روابط اجتماعی زن از منظر قرآن و فمینیسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم و فنون قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
- محمدی، نعیمه و علی محمد حاضری (۱۳۹۵)، «تأملی نظری درباب موانع توسعه فمینیسم اسلامی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، س ۱۷، ش ۴، ۳-۲۴.
- مرادی، لادن (۱۳۹۵)، نقد دیدگاه‌های اجتماعی فمینیسم از منظر رمان متعهد عربی (بررسی موردی: رمان زینب بنت‌الاجاوبید اثر خولة القروینی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران: صدرا.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱)، مسئله زن، اسلام، و فمینیسم، تهران: برگ زیتون.
- مهاجری، مهناز (۱۳۹۷)، بررسی انگاره‌های فمینیستی در رمان بنات الرياض اثر رجاء الصانع و دلان بهشت اثر نازی صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اردبیل: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه محقق اردبیلی.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۲)، نظام بین‌الملل حقوق بشر، تهران: اطلاعات.
- المیزر، هند عقیل (۲۰۱۷)، المرأة السعودية من التهميش إلى التمكين في التعليم والعمل، المجلة العربية للدراسات الأمتیة، المجلد ۳۲، العدد ۶۸، ۱۲۷-۱۵۴.

